

عمر خیام

در یکی از شماره های سابق یغما بشرح قدیمترین نسخه های خطی رباعیات خیام بنا بر تحقیقات گرانبهای استا آربری و معرفی کتاب او پرداختیم و وعده دادیم که ترجمه مقدمه نفیس آنرا نیز بنظر خوانندگان گرامی برسانیم. اینک متن ترجمه (مترجم).

شهرت جهانی خیام قطعاً در تاریخ ادبیات از عجایب بی مانندست، بدین معنی که اگر بخاطر اشتهار حیرت انگیز ترجمه ادوارد فیتز جرالد نبود مسلماً هرگز کسی نام او را بجز معدودی از اهل فن در خارج از کشوری که زادگاه اوست نمیدانست و در ایران نیز کمتر معروف میشد. چیزی که بر شکفتی داستان میفزاید این حقیقت است که ترجمه فیتز جرالد اگر تصادفاً مورد رغبت نقادان زبردست همصر وی واقع نمیشد باغلب احتمال مقامی پست در میان ادبیات فراموش شده و ناچیز دوره ویکتوریا پیدا میکرد. شرح این «کشف» و بیان این مطلب اگرچه بر همه معلومست بیوسه تکرارش لازمست. بقول یکی از مؤلفین «پس از آنکه فیتز جرالد ترجمه خود را برای انتشار یکی از مجلات تقدیم کرد و بچاپ نرسید بوسیله کواریچ Quaritch کتابفروش بقطع وزیری کوچک بدون نام مؤلف منتشر شد. این ترجمه توجه کسی را جلب نکرد و از دوپست جلدی که بطبع رسیده بود بیشتر آن را در صندوق کتابهای زائد و فروش نرفته ریختند و نسخه ای یک پنی فروختند ... رستی Rossetti و سوین بورن (۱) Swinburne از جمله اشخاصی بودند که این کتاب را در اوائل انتشارش خریدند و دوومی یک نسخه از آن راشادی کنان برای جرج مردیت (۲) George Meredith برد و این نخستین بار بود که ارزش واقعی آن شناخته شد. چاپ دوم کتاب که در آن تجدید نظر شده بود ده سال بعد اتفاق افتاد». چاپ اول کتاب در ۱۸۵۹ و چاپ دوم آن در ۱۸۶۸ و چاپ سوم در ۱۸۷۲ و چاپ چهارم در ۱۸۷۹ و چاپ پنجم در ضمن مجموعه آثار ادبی فیتز جرالد در ۱۸۸۹ انتشار یافت و قبل از پایان قرن نوزدهم بیست چاپ دیگر از آن منتشر شد و از آن پس چاپ این اشعار بمیزانی خارق العاده مرسوم شده است چنانکه در تمام انگلستان کمتر خانه ایست که روزگاری این کتاب بشکلی و هیئتی در آن راه نیافته باشد. سربازان انگلیسی در دو جنگ جهانگیر آن را با خود بمیدان نبرد برده اند.

با این همه وضع رباعیات عمر خیام در جهان ادب هنگامی که فیتز جرالد دست بترجمه اش برد چنان بود که نخستین مترجم انگلیسی آن در این جملات بغوی بیان کرده است. «بهر علتی که باشد ... خیام ... هرگز در کشور خود شهرت نیافته و از این رو گفته های او بخارج از کشورش نیز کمتر رسیده است. نسخه های فعلی اشعار او گذشته از اینکه مانند سایر کتب شرقی بی دربی عرضه تصرف ناسخ واقع شده بقدری کمیاب بوده است که بر عکس ادوات جنگی و علمی بندرت بمغرب زمین رسیده است.» پس خیام ممکن بود برای ابد بدین سان در گمنامی بماند و احتمال اینکه استادان و محققین در ادبیات فارسی باو توجه وافیه مینودند بسیار بعید بنظر میرسد زیرا فراوانند شاعرانی که بسیار مشهورتر از او بودند و بی شک بیش از او مورد رغبت آنان میشدند. اما در همان وقت شهرت عظیم رباعیات و فقط رونق بازار فروش آن محققان را وادار کرد که بخیم توجه نمایند. همچنانکه

فیتز جرالد فی الواقع از روی سادگی اقرار کرده بود بزودی معلوم شد که این ترجمه يك ترجمه‌عادی نیست و هر چند مبتنی بر نسخه بودلیان Bodleian مورخ ۱۸۶۵ است مترجم از سایر مأخذ که منحصر بخیم خیام نبوده نیز استفاده کرده و ترجمه از بسیاری جهات ترجمه‌ایست بی‌نهایت آزاد و اگر فرضاً خیام رباعیات را یونانی بالاتین نوشته بود باز ترجمه فیتز جرالد نسبت بآن بسیار آزادتر می‌بود. بنابراین شکاری مهیج برای صید منابع اصلی اشعار فیتز جرالد آغاز شد که خاطر عمده بالنسبه زیادی از مردم زیرک و داهی را بخود مشغول داشت.

بعد از آنکه نام خیام در هر خانواده‌ای معروف شده بود دانشمندان برای یافتن نسخه‌های خطی دیگر از رباعیات او کتابخانه‌ها را زیر و رو کردند و بین نسخه‌هایی که یافتند اختلافاتی فراوان دیدند. بسیاری از رباعیات گذشته از خیام به بسیاری از کسان دیگر نسبت داده شده بود. در ۱۸۹۷ علامه روسی ژوکوفسکی مقالتي تحت عنوان «رباعیات پراکنده خیام» منتشر کرد که آغاز يك جستجوی دیگر و بسیار پرهیجان‌تر را نوید میداد. تحقیقات او نشان میداد که از ۴۹۶ رباعی که در چاپ ج ۰ ب ۰ نیکلاس J. B. Nicolas آمده ۸۲ رباعی در جاهای دیگر به ۳۹ شاعر مختلف نسبت داده شده و این رقم پس از تحقیقات بیشتر ا. دنیسن راسن E. Denison Ross و دانشمند دانمارکی کریستن سن Christensen به ۱۰۸ رسید. پس از آنکه بسیاری از مردم دیگر کم و بیش در این بحث بین‌المللی سهیم شده بودند کریستن سن که در ۱۹۰۴ فقط ۱۲ رباعی از رباعیات خیام را اصیل دانسته بود در ۱۹۲۷ عقیده ادوارد پروان و نیکلسون را در نظر گرفته بود. بعقیده دانشمند نخستین «حاصل تحقیق آنکه محققاً عمر خیام رباعیاتی فراوان گفته است اما با وجود این بااستثنای چند مورد نمیتوان بطور قطع و یقین هیچ رباعی معین از این رباعیاتی را که با نسبت میدهند از خیام دانست»، و حال اینکه بر این قول دانشمند دومی چنین می‌افزود. «بروز زمان که بر حجم ستون رباعیات خیام افزوده شده بر عیار زرناب شعر خیام که تا امروز بدست ما رسیده نیز باستی بیایی افزوده شده باشد اما آن زرناب چنان با این عیار در هم آمیخته که اگر خود عمر هم زنده شود در دریافتش متحیر میماند». نوعی که کریستن سن از روی نظر بلندی و با مراعات جانب اعتدال برای خیام قائل شده بود از خرده گیری مصون نماند چنانکه از قرار معلوم ۱۰۸ شعر H. A. Schaefer در ۱۹۳۴ اظهار کرد که بر اوستی خیام چیزی نوشته و «نام او را باید از تاریخ ادبیات ایران زدود».

دلیل عمده دانشمندان که در رباعی گوئی خیام شك کرده بودند این حقیقت بارز بود که از میان نسخه‌های خطی اشعار او که تا آن زمان بدست آمده بود آنها که از حیث تاریخ قدیمتر بودند بهمان نسبت شماره اشعارشان کمتر بود. نسخه خطی بودلیان که فیتز جرالد از آن استفاده کرده و دارای ۱۵۸ رباعیست و سالهای متمادی قدیمترین نسخه‌ها بشمار میرفت نسخه‌ایست که ۳۲۸ یا بموجب تحقیقات جدید داکتر رمپس Rempis ۳۳۸ سال پس از مرگ خیام نوشته شده است.

پس از جستجو در کتابخانه‌های معظم استانبول چند متن دیگر از قرن یازدهم مسیحی پیدا شد که یکی از آنها درست همزمان با نسخه خطی بودلیان و مشتمل بر ۳۱۵ رباعیست و حال اینکه نسخه دیگری که چهار سال نسبت باولی قدیمترست شامل ۱۳۱ رباعیست و بس، و همچنین دیده شد که شماره مجموع رباعیات خیام در متون قرن دهم هجری و قرون اخیر بسرعت افزایش یافته است و نسخه‌ای که چندان قدیمتر از سنه ۱۴۶۰ (۸۶۰) باشد یافته نشد. سپس در ۱۹۰۲ محقق آلمانی ف. رسن F. Rosen متنی را که در تاریخ ۷۲۱ (۱۳۲۱) نوشته شده و مشتمل بر ۳۲۹ رباعی بود منتشر کرد ولی بلافاصله در قدمت این نسخه تردید پیدا شد و شك نیست که این نسخه از قرن دهم و حتی یازدهم هجریست.

اولین کشف يك نسخه خطی اصیل متعلق بقرن هشتم که شامل رباعیاتی از خیام بود نصیب علامه شهیر ایرانی میرزا محمدخان قزوینی شد. این نسخه سفینه اشعار است که در ۷۴۱ فراهم شده است و اینکه سیزده رباعی از خیام در آن آمده نکته‌ای بود پرمعنی. دکتر میس دنباله این جستجو را گرفت و مجموعه‌ای را که دهسال قدیمتر یعنی در ۷۳۱ کتابت شده و مشتمل بر ۴۳ رباعیت پیدا کرد (۱) پس از نقد و سنجش دقیق مؤلفینی که تا پایان قرن هشتم رباعیات خیام را نقل کرده اند محققان اروپائی این نظر کلی را اتخاذ کردند که کریستنسن در اسناد ۱۲۱ رباعی بخیام بسیار سه صدر نشان داده و خیام براسستی شاعری بسیار اندک شعر بوده و فی الواقع شعر او فقط بنیانست متین که بنای هر رباعی که اندکی رنگ فلسفه اصحاب تشکیک (Scepticisme) یا فلسفه اصحاب لذت (Hedonism) را دارد بران استوار شده است. این از یک طرف، و اما از طرف دیگر محمد علی فروغی نخست وزیر ایران پس از مطالعه تمام دلائل و شواهدی که در مغرب زمین فراهم آمده بود و پس از جستجو در کتابخانه‌های کشور خویش برای بدست آوردن مواد و مصالح جدید سرانجام در کتاب رباعیات خیام چاپ خود او که در ۱۳۲۱ منتشر شد ۱۷۸ رباعی برای خیام قائل شد که هر چند این نیز رقمی کوچک بود اما در هر حال بیش از آن بود که دانشمندان اروپا در این باب و در آن زمان اتفاق داشتند. و. مینورسکی (V. Minorsky) که اصلا روسی است وضع رباعیات خیام را در دائرة المعارف اسلام چنین خلاصه کرده است: «حاصل داستان گذشته آنکه مادر مورد آثار منظوم خیام به يك «حقیقت مجرد» نرسیده ایم. اگر خیام درباره يك شخصیت تاریخی مطالبی نوشته بود و ما میخواستیم از روی آن مطالب خصایص و مشخصات او را تعیین و تحقیق کنیم چه میکردیم زیرا در این صورت در نوشته‌هایش مشکل مینوانستیم يك کلمه درست و صحیح پیدا کنیم و بسیاری از مطالب او قطعاً نادرست و باطل میبود».



پس از نیم قرن تحقیق دقیق که محققان زبردست از ملل مختلف با کمال شوق در آن شرکت کرده بودند حال بدین منوال بود که گفتیم. خیام که تا آن وقت در تاریخ ادبیات فارسی بمقامی حقیر تنزل یافته بود بر مراتب پیش از مجموع شاعران دیگر ایران مورد توجه واقع شده بود تنها بخاطر اینکه تصادفاً فیتزجرالد صدر رباعی بنام او برشته نظم کشیده بود و این اشعار را همه تحسین و تمجید کرده و شاهکاری از سخن انگلیسی شناخته بودند. در ضمن این احوال بسیاری از شاعران و شاعرگان بسیاری از زبانهای دیگر بیهوده در مقام همچسبی و همسری با فیتزجرالد بر آمده بودند و ستایش عامه از خیام بعدی شکفت انگیز رسیده بود. اما دانشمندان دفتر تحقیق را بسته بودند و فقط در بعضی نکات جزئی تجدید نظر میکردند. مطالعات و تحقیقاتی که درباره خیام شده بود مجموعه‌ای از کتب بوجود آورده بود که تنها شایسته يك شاعر بزرگه کلاسیک بود. دیگر موضوعی برای بحث نمانده بود و این زمین خشک دیگر ارزش کشاورز و زرع نداشت. بنابراین هنگامی که چندی پیش از وجود يك نسخه خطی رباعیات مطلع شدم که تا یکی بمسکیت کتابدوست معروف آقای چستر بیٹی (Chester Beatty) در آمده و تاریخ کتابت آن تا حدی قدیمتر از نسخه های معروف دیگر و حجتش بالنسبه کمست با کنجکاوی خاصی بامتحن آن پرداختم فقط يك نظر بر رسم الخط و کاغذ و هر کب کافی بود که مرا بصحت تاریخی که در پایان کتاب نوشته شده است قانع کند. در ۶۵۸ هجری کاتبی موسوم به محمد قوام نیشابوری از همشهریان خود خیام ظاهر آدوایام پیری کتابی کوچک مشتمل بر ۱۷۲ رباعی فراهم آورده که بنا بر مقدمه اش فی الواقع گلچینی است از

- (۱) مقصود نزهة المجالس است که توصیف آن را مرحوم فروغی در مقدمه رباعیات چاپ خود آورده است.
- (۲) مقصود کتاب مونس الاحرار فی دقائق الاشعار است رجوع شود به جلد دوم بیست مقاله قزوینی (مترجم).

شعریام. متن این نسخه که مشتمل بر هشت رباعیست که تا کنون کسی از آن خبر نداده بود بایک مقدمه انتقادی و ترجمه تحت اللفظی من بخرج مستریبتی در اوائل سال ۱۹۰۰ منتشر شد. تازه کتاب را برای چاپ بطلبه داده بودم که مقالته بی امضاء در مجله ادبی یادگار منطبعه تهران منتشر شد و گویا بقلم استاد عباس اقبال بود. در این مقاله خبر از کشف یک نسخه خطی از رباعیات خیام مورخ بسال ۶۰۴ داده شده بود که ملک یکی از دوستان نگارنده بوده و نمونه‌هایی از مندرجات آن آورده بودند. من توانستم ضمن دلائلی که در کتاب خود (نسخه مسترجستریبتی) آورده بودم چندجا اشاره باین کشف جدید بکنم اما در آن هنگام بیش از این کاری از من ساخته نبود و راستی هرگز گمان نمیکردم که روزی دستم بر این نسخه برسد. هنوز دست از خیام نشده بودم که در تابستان سال ۱۹۰۰ نسخه تهران ناگهان از لندن سردر آورد و برای فروش بکتابخانه دانشگاه کمبریج عرضه شد. بنابراین من نخستین کسی بودم که برای بار دوم چنین صحنه مهیجی را مینگریستم. در اینجا هم یک نظر کافی بود که بدانم تاریخ کتابت آن یعنی سال ۶۰۴ درستست. نسخه کمبریج چنانکه در آغاز و انجام آن آمده گلچینی است مشتمل بر ۲۵۲ رباعی از خیام و فقط ۷۵ سال پس از مرگ او نوشته شده است. این نسخه در اصل جنگی از اشعار شاعران قدیم ایران بوده و بوسیله کسی بنام غیاث‌الدین محمد بن یوسف بن علی کتابت شده است. رسم الخط آن واجد خصایص عصر خود و صفحش نیز تقریباً متعلق به همان زمانست. در این نسخه نیز مانند نسخه چستریبتی تاریخ کتابت بطور کامل و بحروف نوشته شده است نه برقم و هیچ نشانه‌ای از دستکاری ندارد.

پس این خوشبختی فراوان نصیب تنها مردی شده بود که تا آن هنگام علاقه خاصی بمطالعات مربوط بخیم نداشت و اینک نخستین مستشرق اروپایی بشمار میرفت که بدو نسخه از کهن‌ترین و مهم‌ترین نسخه‌های خطی خیام که تا کنون پیدا شده است دست یافته بود. قبل از پیدا شدن نسخه چستریبتی این فرض را همه پذیرفته بودند که رباعیات خیام بعلط باواسناد شده اما پس از کشف آن نسخه این فرض باطل شد و این احتمال بوجود آمد که خیام یک شاعر حقیقی بوده و کمال بی انصافیست که بگویند «اسم او را باید از تاریخ ادبیات ایران زدود». نسخه کمبریج (تهران) بخوبی این نظر را تأیید کرد که باید دوباره مقام خیام در عالم ادب معین شود. کشف نسخه کمبریج از چند جهت اهمیت داشت: اولاً این نسخه انتخاب اشعار خیام است و ذکر همین کلمه «انتخاب» در این مورد نکته‌ای بود بپر معنی و نشان میداد که این ۲۵۰ رباعی بایستی از مجموعه‌ای مشتمل بر لاقط ۷۵۰ رباعی انتخاب شده باشد. ثانیاً در این نسخه نام خیام در ردیف شاعرانی مانند سنائی آورده شده که با هیچ نیروی تخیل نمیتوان آنان را بمرتبه شاعران کوچک تنزل داد و بنابراین در نظر کاتب که مردی ادیب بوده و ۷۵ سال پس از مرگ خیام (۱) کتاب خود را نوشته مقام خیام از شاعری برتر از یک شاعر خرد تنگ مایه بوده است. ثالثاً در ظرف ۷۵ سال ممکن نبوده که یک شخص افسانه‌ای را بتوان بصورت یک شاعر حقیقی که لاقط ۷۵۰ رباعی گفته باشد در آورد و محال است که در تمام تاریخ ادبیات فارسی برای این امر عجیب نظیری بتوان یافت. حتی در دیوان حافظ این همه شمر از شاعران دیگر وارد نشده و بدیهیست که اسناد اشعار دیگران بیک شاعر مشهور پسندیده‌تر و بیشتر غالب نظر است تا بشاعری که شهرتش افسانه محض باشد و بنابراین دلایل ناگزیر باین نتیجه میرسیم که خیام عده‌ای فراوان رباعی گفته است. از این رو نهال تحقیق که آن همه مدت بی برمانده بود بار دیگر بارور شد.

(بقیه دارد)

(۱) این اظهار آفای از بری دقیق نیست. اگر مرگ خیام را با کثر تقدیر سال ۵۱۷ بگیریم نسخه خیام مورد بحث که در ۶۰۴ کتابت شده است ۸۷ سال پس از مرگ او کتابت شده است نه ۷۵ سال (بقیما).